

فوتبال برای دولت و صنعت یا دولت و صنعت برای فوتبال؟!

نگاه
دنیاچندری

هزینه‌های هنگفت و بی‌روبه‌مدبران دولتی فوتبال که از جیب دولت پرداخت می‌شود، کار را به جای باریک

کشانده‌است؛مدیرانی که باولخرجی‌های هنگفت نه تنها بودجه کشور را حیف و میل می‌کنند که باعث تضعیف وپس‌از،پس‌ورزش نیز می‌شوند،چراکه ولخرجی‌هایشان برای ساخت‌وساز،پیشرفت و ترفی ورزش نیست،بلکه برای حفظ جایگاه‌است و گاه‌هم عقب‌نماندن از قیبه‌نگاهی که نشانی از تدبیر ندارد؛ولی سال‌های اخیر هزینه‌هاوبدهی‌های هنگفتی راوری دست باشگاه‌هاگذاشته است که با روند هر پیش گرفته شده، پایدار جیب دولت و ملت پرداخت شود. همه چیز کاملاً واضح و عیان است. آنقدر که وزیر صنعت هم حالا به آن خرده می‌گیرد. به خرج کردن‌های دولت‌برای باشگاه‌هایی‌زبان ده که هرگز نتوانسته‌اند از عهده هزینه‌هایی که برایشان می‌شود بر آیند و سود پولی را که به پایشان خرج شده را بازپس دهند و در مقابل چیزی جز ضرر و زیان از خود به جای نگذاشته‌اند، چراکه نگاه مدیرانی که طی همه سال‌های گذشته بر فوتبال و تیم‌های وابسته به صنعت و دولت مدیریت داشته‌اند، صرفاً خرج کردن بوده و پس داستان غم‌انگیزی است. داستان خرج کردن‌های یکطرفه تیم‌های دولتی که گاه‌از وزارتخانه‌هاارتقا می‌کنند و گاه صنعت و معدنی که در پرداخت دستمزد کارگانش می‌ماند جیبشان را پر می‌کند و البته در این میان وزارت ورزشی هست که متولی کل ورزش‌است،اما دولتیم فوتبال می‌شوند چشم و چراغش برای خرج کردن و خوردن حق تیم‌ها و رشته‌های بیشماری که به مراتب موفق تر و عنوان اوتر هستند و ما مانده‌ایم با این سؤال بی‌پاسخ که بالاخره فوتبال در خدمت صنعت و دولت است یا این دو در خدمت فوتبال که به نظر می‌رسد دومی قابل قبول‌تر باشد!

پایان این ولخرجی‌های هنگفت و یکطرفه و دست‌درازی به جیب ملت می‌تواند خصوصی‌سازی باشد و کوتاه کردن همیشگی دست فوتبال از بیت‌المال اتفاقی که می‌تواند صرفه‌جویی هنگفتی در بودجه دولتی باشد و باعث رشد و شکوفایی فوتبال شود؛وقتی تیمی پایش را بیشتر از گلیمش دراز نکند و به قدر داشته‌هایش خرج و برای رفعت و در آمدزایی تلاش کند. هر چند داستان خصوصی‌سازی که سال‌ها به شعار سوسیون یا وجود تصویبش از سوی مجلس تبدیل شده است،به دلیل نبودن اراده‌ای قاطع برای اجرایش به آرزویی محال مبدل شده، ته داستانش پرونده فظور فسادی باشد که از قیل فوتبال دولتی طی سال‌های گذشته قارچ گونه‌رشد کرده‌است! پرونده‌ای که البته هرگز لای آن برای رسیدگی باز نشده است. خیلی هم نباید سخت باشد. پرداخت حق فوتبال، دادن حق پخش و فراهم کردن زمینه‌های لازم برای پایش گذاشتن سرمایه‌گذاران اصلاح و البته بررسی دقیق و اصولی برای واگذاری تیم‌های دولتی، امانه‌ناووقتی که دولتی بودن تیم‌ها راهی برای رد و بدل شدن پول‌های کیفی است و عامل اصلی فسادی که بسیاری از قیل آن در فوتبال در آمده‌ای هنگفت و همچنین به عنوان‌ها و پست‌های در خور توجه می‌سند و همین برایشان کافی است تا ماعمی عدی باشند بر سر راه خصوصی شدن فوتبال و کوتاه شدن دست آن از جیب دولت و ملتا!



بانک ملی و بانک تجارت تیم‌هایی که دیگر نیستند

۲ قربانی بزرگ آماده‌خوری فوتبال

حاشیه
فریدون حسن

قصه تیم‌های صنعتی و دولتی و البته به نهادها و ارگان‌ها مربوط به امروز و دیروز فوتبال ایران نیست اگر طی این

سال‌ها کار خانجات صنعتی و برخی وزارت‌خانه‌ها به تیمداری در فوتبال روی آورده‌اند، فوتبال ایران در سال‌های دور تیم‌هایی را به یاد دارد که با

بانک‌ها به میدان می‌آمدند.

کارخانه بازنیک‌سازی

سال ۱۳۳۷ بود که باشگاه بانک ملی تأسیس شدو تیم فوتبالی تشکیل داد، هر چند هنوز دو دهه تا شروع رقابت‌های رسمی فوتبال باشگاهی در ایران فاصله بود، اما بانک ملی با شروع یک کار اصولی و پرورش استعداد‌های ناب در فوتبال ایران نام خود را به عنوان یکی از بهترین باشگاه‌های تهران و ایران بر سر زبان‌ها انداخت. جمعگی فرامرز، علی دوستی، مهر و حبیب زربین نام بزرگانی بودند که طی دهه‌های ۵۰ و ۶۰ در تیم بانک ملی پرورش یافتند و بعد از آن به کسوت مربیگری روی آوردند. جلوگر که آمدیم همین‌ها در همین تیم بانک ملی ستارگانی چون محمدرضا شکورزاده، مهدی مهدوی کیا، مجید نامجو مطلق و علی انصاریان را به فوتبال ایران معرفی کردند تا نام این باشگاه به عنوان کارخانه بازنیک‌سازی فوتبال ایران معروف شود. افسوس که بانک ملی نتوانست از داشته‌ها و استعداد‌هایی که خود پرورش داده بود استفاده کند و تیم‌هایی که منتظر استفاده کردن از زحمات بقیه هستند، بزرگان این باشگاه را یکی یکی جدا کردند تا سرانجام کار به اینجا کشید که امروز دیگر نشانی از تیم بزرگ بانک ملی و باشگاه بازنیک‌ساز آن وجود ندارد.

تجارت تیم بزرگان

سال ۶۸ مسئولان بانک تجارت با خرید امتیاز بوتان تهران، تیم بانک تجارت را راهی رقابت‌های فوتبال باشگاه‌های تهران و بعد از آن لیگ آزادگان کردند، نکته قابل توجه در خصوص بانک تجارت اینک‌که این باشگاه از همان ابتدا به کار گرفتن مربیان نامدار و با دانش عملاً برای تمام‌رقبای بزرگ خط و نشان کشید. مرحوم ناصر حجازی اولین مربی بانک تجارت بوده؛ مردی که بازیکن بزرگی به نام علی دایی را به فوتبال ایران هدیه تیم معرفی کرد. بعد از حجازی، حسن روشن، جلال چراغپور و امیر حاج‌رضایی مردان بعدی نیمکت بانک تجارت بودند. این تیم علاوه بر نیمکت و کادر فنی قوی، بازیکنان بزرگی هم داشت. مارکار قیاباجیان، سیروس دین‌محمدی، محمد احمدزاده، مهدی فتوی،آ. هج بین‌طهری، رضاحدی، افشین بیژروانی و یحیی گل‌محمدی که هیچ‌کدام نیاز به تعریف ندارند و همه‌ا بزرگی اینها در فوتبال ایران باخبرند. اما سرنوشته بانک ملی در انتظار بانک تجارت هم بود و اگر همانطور که گفتیم آماده خوری تیم‌های دیگر بانک ملی را طی چند دهه زمین زد و محو کرد، بانک تجارت را ظرف ۱۱ سال از بین برده، به گونه‌ای که از سال ۱۳۷۹ به بعد دیگر اثری از بانک تجارت در فوتبال ایران دیده نشد.



محمدرضا پور ابراهیمی رئیس کمیسیون اقتصادی مجلس درباره هزینه دولت در ورزش حرف‌های

گفت‌وگوی «جوان» با محمدرضا پور ابراهیمی رئیس کمیسیون اقتصادی مجلس درباره هزینه دولت در ورزش حرف‌های

باشگاه‌داری دولت خلاف قانون است

گفت‌وگو
سعید احمدیان

باشگاه‌های دولتی به رغم هزینه‌های کلان در فوتبال سبب شده تا بار دیگر موضوع فوتبال دولتی در کشورمان مورد توجه قرار گیرد آن هم در شرایطی که به دلایل منع قانونی دولت برای ورزش حرفه‌ای، بخش زیادی از دولت از جمله وزارت صنعت، معدن و تجارت، وزارت ورزش و وزارت نفت در حال هزینه‌های چند صد میلیاردی سالانه در فوتبال هستند. در همین راستا با محمدرضا پور ابراهیمی، رئیس کمیسیون اقتصادی مجلس گفت‌وگو کرده‌ایم و راه‌های برون رفت از این وضعیت را از وی جویا شده‌ایم.

آقای دکتر، با وجود نهن صریح قانون درباره عدم هزینه دولت در ورزش حرفه‌ای، متأسفانه شاهد هستیم که دولت در حال هزینه‌های میلیاردی از بودجه عمومی کشور در ورزش حرفه‌ای در قالب باشگاه‌های صنعتی و نفتی و البته استقلال و پرسپولیس است. ریشه این بی‌قانونی را در چه می‌بینید؟

دلیل آن چیزی که باعث شده است در حوزه مباحث ورزش دچار معضلات و مشکلاتی از این دست شویم، این است که ما در سال‌های اخیر پس از صحبت درباره واگذاری بنگاه‌های اقتصادی قرار شد این بنگاه‌ها چه در قالب سهام عدالت و دیروز استقلال و پرسپولیس است. ریشه این بی‌قانونی را در چه می‌بینید؟

دلیل آن چیزی که باعث شده است در حوزه مباحث ورزش دچار معضلات و مشکلاتی از این دست شویم، این است که ما در سال‌های اخیر پس از صحبت درباره واگذاری بنگاه‌های اقتصادی قرار شد این بنگاه‌ها چه در قالب سهام عدالت و

دیروز استقلال و پرسپولیس است. ریشه

وقتی وزارت‌خانه‌ها عاشق تیمداری هستند

فوتبال حصولتی!

گزارش
شیوانوروزی

دولتی بودن باشگاه‌های فوتبال ایران را در گر داد

حیف و میل کردن‌های میلیاردی و بدهی‌های سنگین انداخته است. با اینکه طبق قانون بخش دولتی حق هزینه کردن در ورزش را ندارد و فیفا و ای اف ای نیز حساسیت زیادی روی این قیبه دارند اما همچنان سه‌وزارت‌خانه کشورمان به صورت غیرمستقیم هزینه‌های چند لیگ بزرتری و حتی در دسته‌های پایین‌تر تا تأمین می‌کنند. دولتی‌ها مدعی‌اند این تیم‌ها متعلق به کارخانه‌ها و شرکت‌ها هستند، اما در واقع همان کارخانه‌ها و شرکت‌ها زر مجموعه‌های وزارت‌خانه‌های دولتی هستند و بودجه خود را از بیت‌المال در ریافت می‌کنند. «حصولتی» واژه‌ای است که می‌توان در خصوص سرگردانی تیم‌های فوتبال بین بخش دولتی و خصوصی فوتبال ایران از آن استفاده کرد. ■ **صنعتی‌های سرمایه‌دار** با شنیدن‌نام وزارت صنعت، معدن و تجارت ناخودآگاه تصویر کارگرانی به ذهن می‌رسد که در کارخانه‌ها و کارگاه‌های ریز و درشت سراسر کشور شبانه‌روز تلاش می‌کنند تا چرخ صنعت و تولید ایران بچرخد، اما بی‌توجهی به تولید داخلی و زحمات کارگران ایرانی رامی‌توان از سرمایه‌گذاری روزافزون این وزارت‌خانه در تیم‌های فوتبال به خوبی درک کرد. سپاهان، ذوب آهن، فولاد خوزستان، سایپا و پیکان پنج تیم لیگ برتری هستند که آشکار و پنهان از وزارت صنعت ارتقا می‌کنند. ضمن اینکه مس کرمان را هم باید به این جمع افزود. با وجود اینکه بخش خصوصی برای سرپا ماندن و ادامه حیات با داغغ‌های زیادی دست و

واگذار شوند اما متأسفانه این اتفاق عملی نشد. اگر چه در ظاهر باعث کاهش سهم دولت در اقتصاد دولتی است و اگر چه در ظاهر انجام شد اما تسلط شد در این بنگاه‌ها به صورت غیرمستقیم خیلی افزایش پیدا کرده است. این در حالی است که

هدف از خصوصی‌سازی، کاهش سهم دولت در اقتصاد بود و شرکت‌ها و بنگاه‌ها به مالکیت بخش غیردولتی در بیایند. با وجود این هدف شاهد این اتفاق بودیم که به صورت ششکی سهم دولت در اقتصاد کاهش پیدا کرد، اما از نظر محتوایی شاهد این کاهش نبودیم.

به عنوان نمونه سهام شرکت مس در حالی واگذار شد که باشگاه ورزشی نیز جزء توابع این شرکت محسوب می‌شود. از نظر شکلی سهام این شرکت واگذار شده است و وقتی به آنها بگویم مثلاً جردر ورزش حرفه‌ای سرمایه‌گذاری می‌کنید، می‌گویند ما دولتی نیستیم، در صورتی که سهام این شرکت ۴۰ درصد آن سهام عدالت است که طبق بخشنامه هیئت وزیران مستقیماً توسط وزیر صنعت، معدن و تجارت اداره می‌شود و ۲۰ درصد مالکیت خود دولت است. جهت اینکه ادامه تسلط دولت برای این شرکت ثابت شود می‌توانید ۲۰ درصد سهم دولت و ۴۰ درصدی که در قالب سهام عدالت است به عنوان سهام عدالت بگیرید، متوجه می‌شوید که ۶۰ درصد شرکت مس دولتی است! در ظاهر شاید بگویند واگذاری انجام شده اما نحوه اداره آن دولتی است و به رغم منع قانونی درباره عدم قرار شد این بنگاه‌ها چه در قالب سهام عدالت و

دیروز استقلال و پرسپولیس است. ریشه این بی‌قانونی را در چه می‌بینید؟

دلیل آن چیزی که باعث شده است در حوزه مباحث ورزش دچار معضلات و مشکلاتی از این دست شویم، این است که ما در سال‌های اخیر پس از صحبت درباره واگذاری بنگاه‌های اقتصادی قرار شد این بنگاه‌ها چه در قالب سهام عدالت و



عرض کردم رخ می‌دهد. شرکت‌هایی از این قبیل تبدیل به یک شترمرخ در اقتصاد کشور شده‌اند که وقتی می‌گویم بپرید می‌گویند ما این هستیم. می‌گویم راه بروید می‌گویند آن هستیم.

می‌شود گفت باشگاه‌هایی مانند سپاهان، ذوب آهن، فولاد و تیم‌های نفتی هم شرایطی مانند باشگاه‌مس دارند؟

نمی‌خواهم بگویم صدر صد عین هم هستند اما مدل اداره‌شان یکسان است، به همین خاطر به رغم اینکه این شرکت‌ها در ظاهر از دولت خارج شده‌اند اما محتوای آنها دولتی است و نسبت به هزینه‌شان در ورزش حرفه‌ای اتفاق وجود دارد.

علاوه بر این دو باشگاه استقلال و پرسپولیس هم کاملاً دولتی هستند و شاهد هزینه‌های چند ده میلیاردی در این باشگاه‌ها از حساب دولت هستیم، آن هم بدون اینکه در آمدی این باشگاه‌ها داشته باشند.

ماجرای این دو باشگاه با باشگاه‌های صنعتی و نفتی فرق می‌کند و آنها صدر صد دولتی هستند

و باید برای آن دو تیم یک تصمیم کلان گرفت. متأسفانه دولت‌ها چه دولت فلسلی و چه دولت

لیگی اگر چه می‌گویند مایل به واگذاری هستیم اما با توجه به وجود یک ظرفیت سنگین سیاسی پشت این باشگاه‌ها عملاً دولت تمایلی به واگذاری ندارد. این در حالی است که متقاضی هم برای خرید دو باشگاه استقلال و پرسپولیس وجود دارد و آنها حاضر ند هزینه کنند. با این حال دولت

به رغم ممنوعیت قانونی برای هزینه در ورزش

د

در شرکت‌های حصولتی باید در مجلس به دنبال این باشیم که شرکت‌هایی که گفته می‌شود واگذار شده به ذینفعان واقعی آن بر گردد. مثلاً شرکت‌هایی که در قالب سهم عدالت عرضه شده‌اند، این سهام به مردم عرضه شود

د

نمی‌دهد، اما هفته گذشته بود که مجلس هم تأیید کرد ببه صورت غیر مستقیم دولت برای این تیم‌ها هزینه می‌کند.

این کم‌کها به روش‌های مختلف برای دو تیم استقلال و پرسپولیس توسط دولت انجام می‌شود. در این دو تیم از نظر ظاهری دولت می‌گوید با توجه به ممنوعیت هزینه نمی‌کنیم، اما در محتوا این اتفاق می‌افتد. در باشگاه‌های صنعتی و نفتی از نظر شکلی با توجه به اینکه ادعا می‌شود غیردولتی هستند کمک مستقیم می‌شود اما از نظر محتوایی این باشگاه‌ها دولتی هستند و باز هم بر خلاف قانون مجلس در ورزش حرفه‌ای هزینه می‌کند.

واکنش مجلس به این اقدامات دولتی‌ها که بر خلاف قانون در ورزش حرفه‌ای هزینه بدون سود می‌کنند، چیست؟

ما در مجلس نسبت به این اقدامات دو نوع واکنش و قاعدتاً دو نوع اقدام انجام می‌دهیم. در شرکت‌های حصولتی باید در مجلس به دنبال این باشیم که شرکت‌هایی که گفته می‌شود واگذار شده به ذینفعان واقعی آن بر گردد. مثلاً شرکت‌هایی که در قالب سهم عدالت عرضه شده‌اند، این سهام به مردم عرضه شود. مجمع این شرکت‌ها تشکیل شود و درباره فعالیت‌های آن که می‌تواند یک مورد آن باشگاه‌داری باشد، تصمیم بگیرند. این کار در حال انجام است و در جلسه‌ای که خدمت رئیس جمهور بودیم این مسئله را مطرح کردم. درباره باشگاه‌هایی مانند استقلال و پرسپولیس که مستقیماً زر نظر دولت اداره می‌شود، باید برنامه زمانبندی واگذاری این باشگاه‌ها تدوین شود.

با توجه به انتقادات و ناراضیاتی مردم از هزینه‌های میلیاردی دولت در فوتبال، مجلس طرح تحقیق و تفحص از عملکرد مالی دو باشگاه استقلال و پرسپولیس را در دستور کار قرار داده است. این اقدام به نظر شما تا چه اندازه می‌تواند به کاهش هزینه دولت در ورزش حرفه‌ای باشد؟

د

در مجلس باید اقداماتمان پایه‌ای و ساختاری باشد و بر اساس اقدامات موقت و مسکنی نمی‌توانیم چنین مسائلی را به صورت ریشه‌ای حل کنیم. به عنوان مثال وقتی برای شرکت مس تعیین تکلیف کردیم، به طریق اولی برای باشگاه ورزشی آن هم تعیین تکلیف می‌شود. هر کدام از این بخش‌ها نیازمند یک تصمیم منطقی و کار اساسی است و به جاسی طرح‌هایی مانند تحقیق و تفحص باید کار اساسی انجام شود. مثلاً شرکت‌هایی که باشگاه‌های بزرگ ورزشی دارند و در قالب سهام عدالت هستند را واگذار کنیم، شرکت‌هایی که وابسته به نهادها هستند را به مالکان و ذینفعان که می‌توانند شامل کارگران، کارفرماها و بازنشستگان باشد، واگذار کنیم جایی هم که مستقیم دولت کار می‌کند مانند استقلال و پرسپولیس را واگذاری صدر صد انجام دهیم.

از تیم‌های وابسته به وزارت نفت به شمار می‌رود، تیمی که به شدت از مشکلات مالی رنج می‌برد و فراز کمالوند در آخرین بازی تیمش به شدت از بی‌توجهی وزیر نفت به این تیم گلایه کرد.

سرخا بی پر هزینه

پرسپولیس و استقلال همان دو تیم ولخرجی هستند که هر سال میلیارد‌ها تومان را خرج نقل و انتقال بیبوده بازیکنان مثلاً ستاره می‌کنند و در آخر فصل نیز میلیارد‌ها تومان به بدهی‌های قبلی دو تیم می‌افزایند. وزارت ورزش مالک این دو تیم محسوب می‌شود؛ وزارت‌خانه‌ای که سه سال پیش ارزش هر یک از تیم را ۲۹۰ میلیارد تومان اعلام کرد و با این قیمت حاضر به خصوصی‌سازی دو تیم پرطرفدار شد، اما در نهایت این پروژه از پیش شکست خورده به نتیجه نرسید تا سرخا بی‌ها کماکان زر نظر وزارت ورزش باقی بمانند. دو تیم دولتی که مدیرانشان و همچنین وزارت‌تی‌ها تأکید دارند یک ریال هم از بودجه دولتی استفاده نمی‌کنند بیش از ۳۰۰ میلیارد تومان بدهی دارند و برای گرفتن مجوز آسیا یا در دسر زیادی رویه‌رو بودند. فصل گذشته پرسپولیس ۱۷ میلیارد و استقلال ۱۹ میلیارد خرج قرارداد‌های بازیکنان و مربیان خود کرده‌اند. این در حالی است که در سال ۱۳۷۲ پرسپولیس به وزارت صنایع واگذار شد و محلولی وزیر وقت مسئولیت این باشگاه را به عابدینی سپرد.

تجربه شکست خورده وزارت کشاورزی
اواخر دهه ۶۰ بود که تیم کشاورز تهران زیر نظر وزارت کشاورزی وارد فوتبال باشگاهی ایران شد و در مدت زمان حضور این تیم در لیگ، بازیکنان جز در دسر زیاد کردن بدهی‌ها کاری از پیش نبرد تا چند روز پیش واگذاری سوم رخ دهد و تیم لیگ برتری نفت به شرکت داروسازی شرکت کار رسا سپرده شود. خصوصی‌سازی نفت نشان داد که واگذاری‌های بی‌حساب و کتاب و همچنین عدم حمایت از بخش خصوصی نتیجه‌ای جز شکست ندارد. علاوه بر این تیم صنعت نفت آبادان یکی

د

نفت، پارس جنوبی و صنعت نفت در حالی تیم‌های وزارت نفت محسوب می‌شوند که تیم تهرانی برای اولین بار به بخش خصوصی (پنهام پیشرو و کیش) واگذار شد؛ واگذاری که د ر دسرهای زیادی را به همراه داشت و سر در گمی‌های بسیار این تیم به شرکت پارس

طلا بیه واگذار شد تا مدیریتش به دست فردی به نام جهانیان برسد. با این حال مدیریت جدید نیز جز در دسر زیاد کردن بدهی‌ها کاری از پیش نبرد